موضوع " دغدغه بی‌روح شدن روزه و عبادات در پیام رمضانی امام موسی صدر "

**دغدغه بی‌روح شدن روزه و عبادات در پیام رمضانی امام موسی صدر**

**امام موسی صدر در پیامی در آستانۀ ماه مبارک رمضان به تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۱، برابر با ۲۹ مهر ۱۳۵۰ از خطر بی‌روح شدن روزه و عبادات سخن می‌گوید. متن این پیام را که در جلد یازدهم مجموعه «گام به گام با امام» منتشر شده، در ادامه می‌خوانید.**
مؤمنان!

دگر بار، رمضان مبارک فرا رسیده است؛ با شب‏های الهام بخش، روزهای آموزنده و فضای آکنده از شمیم خاطرات و عبرت‌هایش که مایۀ جدیت و نظم است.

دگر بار، روزه می‌‏‌گیریم، شب زنده‏داری می‌‏کنیم، شعایر را دو چندان می‌کنیم و سرانجام عید را با شادمانی و خشنودی جشن می‌گیریم و پس از آن به زندگی عادی باز می‌گردیم. بدین سان سال‏‌ها تکرار و بر حجم خاطرات افزوده می‌شود.

اما بیم آن می‌‏رود که روزه به عادتی بی‌‏روح و شعایر آن به سنت‏هایی سرگرم کننده بدل و ماه رمضان از همۀ معانی اصیلی‌اش تهی شده باشد. با نگاهی سریع در می‌‏یابیم که این مشکل، یعنی مشکل و مسئلۀ روزه و رمضان، مسئلۀ همه عبادات و همۀ مناسبت‌‏هاست. این آفت به همۀ عبادات و ایام راه یافته و اماکن مقدس و شعایر دینی و همۀ آموزه‏های آسمانی را در برگرفته است.

آیا نقش راهبری دین در هدایت آدمی به آخر رسیده است؟ و به آیین‏‌ها و خاطرات و تجمل بدل شده است؟ یا اینکه اساساً آموزه‏های دینی برای تخدیر آدمی آمده‏اند و از آنجا که سختی‌ها فرا گیریند این آموزه‏‌ها نیز همۀ زندگی آدمی را فرا گرفته‏اند. آیا اکنون که آدمی بر بسیاری از مشکلات و سختی‌‏‌هایش چیره گشته، باید از نقش دین بکاهیم؟

مؤمنان!

بهتر است پیش از آنکه دیگران از ما بپرسند ما خود این پرسش دشوار را از خود بکنیم. اما حقیقت این است که این پرسش و پاسخ‌ها پیش‌تر مطرح شده‏اند، اما ما آن‌ها را نادیده گرفتیم، بر آن‌ها چشم پوشیدیم و از سخن گفتن دربارۀ آن‌ها روی برتافتیم، تا با واقعیت دلهره‏آور و تلخ روبه رو نشویم.

ای مؤمنان!

آیا در روزه‏‌هامان آثار روزه را می‌‏بینیم؟ و در نمازمان عروج آن را؟ آیا در فطر و قربان معانی این اعیاد و کارکردشان را حس می‌کنیم؟ آیا شعایر در ما فعل و انفعال و اماکن مقدس در ما اثر دارد؟

آیا در مسجد اقصی و کلیسای قیامت آن معانی را که بالقوه برای امتحان روشن بود، یافته‌ایم.

این‌ها تجارب تلخ و دردآور ما در متن واقعیت تلخ و درد آور ماست. پس بار دگر با نگاهی واقع بینانه، همه‌جانبه و با شجاعت و بینش آموزه‌های دینمان را ارزیابی کنیم، شاید راهی نو بپیماییم و در آن‌ها زندگی بدمیم، و از هستی خود به دین و آموزه‏های والایش ببخشیم تا جایگاه رفیع و فراگیر خود را باز یابد. بگذاریم دین ابعاد وجودی ما را فرا‌تر ببرد و کثرتمان را وحدت بخشد و تشتتمان را به همدلی بدل کند.

ای مؤمنان!

هرگاه اندیشۀ دینی و آموزه‌هایش در همۀ ابعاد زندگیمان؛ در خانه، در بازار، در دفتر کار، و در عرصه‌های حیات ما حضور داشته باشد، هرگاه حصار‌ها را از احساس دینی در بند در عبادتگا‏ه‌ها، برداریم، و بگذاریم این احساس به کلیت حیاتمان راه یابد، به زندگیمان پا نهد، تا اختیار ما به دست او باشد و اثر گذارد و هدایت کند، هر‌گاه به او فرصت دهیم و نخواهیم که با منزوی کردن او از نقشش بکاهیم و او را از میان ببریم، تنها در این صورت است که آثار این گنج گرانمایه را در زندگی و در ساختن تمدن خود می‌بینیم.

مؤمنان!

روزۀ ماه رمضان و دیگر عبادات و شعایر دینی تنها فعالیتی جسمانی نیستند، بلکه حرکاتی سرچشمه گرفته از عقل و دل‌اند که به قالب حس در می‌آیند و با آن در می‌‏آمیزند، از همین رو هر‌گاه به دور از دخالت عقل و دل انجام گیرند، اعمالی خشک، کم رنگ و تقلیدگونه‌اند که ما را به خود مشغول می‌کنند، ولی تأثیری نمی‌گذارند.

بر ماست تا در این تجربۀ تازه و این ماه مبارک و در روزه‏اش، عقل و دل را در کنار جسم فعال کنیم. باید تفکر و تأمل کنیم، باید عشق بورزیم و حساس باشیم. باید این عشق و آن تأمل را در متن روزۀ خود جاری سازیم.

پیامبر فرمودند: «تفکر ساعه خیر من عباده سبعین سنه» (یک ساعت تفکر، بر‌تر از هفتاد سال عبادت است.) امام صادق نیز فرموده‏اند: «هل الدین الا الحب؟» (آیا دین جز محبت است؟) این چنین روزۀ زنده‌ای، سپر آتش است و یکی از ارکان اسلام، مهمانی خداوند است و تکریم انسان. قدر انسان است و قَدَر او. فقط در این صورت است که رمضان شرایط و فضایی را فراهم می‌کند که در آن انسان گرامی ساخته می‌شود، انسانی که فاتح مکه است و پیروز بدر و سازندۀ تاریخ. این چنین رمضانی ماه الفت و همدردی با دیگران و فصل فراموشی کینه‏‌ها و اتحاد صفوف است. ماه وحدت کلمه و وحدت دل‏‌ها و ماه رستاخیز دوبارۀ امت است.

این گونه روزه داری ماه رمضان نخستین گام در ساختن امت و تاریخ است، تمرینی برای جهاد و آمادگی برای نبرد است، آغاز بازگشت به سوی خداست، به سوی سرزمین مقدس خدا، به سوی قدس. این وعدۀ حق خداوند است و خداوند از وعده‏اش تخلف نمی‌‏کند. خداوند می‌‏فرماید: «ولینصرن اللَّه من ینصره ان اللَّه لقوی عزیز الذین ان مکنا هم فی الارض أقاموا الصلوة و آتو الزکاة وامروا بالمعروف ونهوا عن المنکر و للَّه عاقبة الامور» (حج: ۴۰ و ۴۱)